

بررسی روابط عروس و مادرشوهر

حجت الاسلام والمسلمین محمد سبحانی نیا

اشاره

روابط بین عروس و داماد با خانواده همسر، از دیرباز در فرهنگ ایرانی و حتی در فرهنگ‌های دیگر، مسئله‌ای قابل اهمیت بوده است. اگر بگوییم رابطه عروس و مادرشوهر، جزء پیچیده‌ترین، معنادارترین و پرفراز و نشیب‌ترین رابطه‌ها در گستره روابط اجتماعی فرد پس از ازدواج است، بیراه نگفته‌ایم. زن و مرد، حتی با بیشترین تناسب، پس از ازدواج با اختلاف نظرها و سلیقه‌های مختلفی روبه‌رو می‌شوند که میان آنها و یا بستگان مرتبط با آنان وجود دارد؛ از جمله، بسیاری از مشکلات ارتباطی بین مادرشوهر و عروس، ناشی از نگرش‌های نادرست، سوء تعبیرها، دلخوری‌های مداوم، حساسیت‌ها، توقعات بیجا، خودخواهی‌ها، نداشتن شناخت کافی از یکدیگر و پیش‌زمینه‌های غرض‌ورزانه است.

معمولاً عروس خانم‌ها از بی‌احترامی مادرشوهر و به رسمیت نشناختن هویت آنها و دخالت‌های نابجا در زندگی زن و شوهر گله دارند و مادرشوهرها نیز از بی‌تجربگی و غرور عروس و بی‌توجهی به شوهر و آشفته‌گی خانه و گوش سپردن مدام به حرف‌های مادر و خواهرش شکایت می‌کنند. این مشکل،

در واقع، چالشی فرهنگی است. در این نوشتار، به بررسی روابط عروس و مادرشوهر می‌پردازیم.

علل اختلاف عروس و مادرشوهر

دلایل را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱. پیش‌داوری

خیلی وقت‌ها رابطه مادرشوهر و عروس، آغشته به پیش‌داوری و سوء تعبیرهاست که از حرف‌های اطرافیان و گفتن تجربه‌های منفی آنان و دیدن رفتارهای ناپسند مادرشوهر، ناشی شده است. متأسفانه، آن‌چنان فضای موجود تیره‌وتار جلوه داده شده که گویی هرگز نباید سازش و انعطافی بین عروس و مادرشوهر حاصل شود. در بسیاری از گفتگوها، مادرشوهر، تیغ‌های کنار گل و دخالت‌کننده و فضول‌زدگی تلقی شده، عروس نیز غریبه‌ای غاصب و غالب بر فرزندی که بزرگش کرده و دو دستی تقدیم هووی خود کرده است!

گاهی اطرافیان ناآگاه، حتی پیش از وارد شدن عروس به خانه جدید، مادرشوهر ساده‌لوح را تحریک می‌کنند که عروس را از همان روز اول، تحت امر و سلطه خود در آور و به اصطلاح، گربه را دم حجله بکش، یا به دخترانمان به طور ناخودآگاه یاد می‌دهیم که وقتی به خانه بخت رفتند، مواظب خواهر و مادرشوهر خود باشند و کم نیاورند! به این ترتیب، آنان را با سپر دفاعی به خانه بخت می‌فرستیم. کم نیستند دختران جوانی که از ترس گرفتار نشدن در دام و دامن مادرشوهر ازدواج نمی‌کنند و یا با ذهنیتی غلط، وارد زندگی زناشویی شده، از اوان زندگی، با دیدی منفی و جهت‌دار به چالش‌های تلخ و فرساینده با مادرشوهر می‌پردازند، گویی مجبور است در مقابل خانواده همسر همواره جبهه‌گیری کند. بر اساس این واقعیت که «از کوزه همان برون تراود که در

اوست»، وقتی ذهن، منفی باشد، زبان هم تلخ و گزنده و زندگی آزاردهنده و پُرتنش خواهد بود. اگر این ذهنیت غیرواقعی و نادرست دوسویه باشد، آسیب‌ها و چالش‌های عروس و مادرشوهر همچون سیل و زلزله‌ای مرگبار، ذهن و زندگی هر دو سورا نابود خواهد ساخت.

۲. اختلاف دونسل

نتایج برخی بررسی‌ها نشان می‌دهد که حتی اگر عروس و مادرشوهر برای هم احترام بالایی قائل باشند و بین آنها کمترین حد تعارض و اختلاف وجود داشته باشد، باز از نظر روان‌شناختی، نوعی گسست بین آنان وجود خواهد داشت. بعضی روان‌شناسان اجتماعی، نوعی تعارض بین نسلی را در این زمینه دخیل می‌دانند. افکار و رفتار نسل‌ها با یکدیگر متفاوت است و اختلاف سلیقه‌ها و خواسته‌ها، به تعارض مادرشوهر و عروس می‌انجامد.

۳. ترس از کم‌رنگ شدن موقعیت

علت اصلی وجود مشکل و اختلاف بین عروس و مادرشوهر، این است که پسر برای مادر ثمره تلاش‌ها و درگیری‌های عاطفی اوست. بدیهی است که مادر، فرزند خویش را دوست دارد و او را جگرگوشه خود می‌داند. مادر، خود را تنها حامی و دلسوز پسر می‌داند و با ازدواج فرزندش، خویش را در کنار پسر نمی‌بیند. او در خانه‌ای که خود در ساخت و برپایی‌اش نقش داشته، هویت خویش را می‌یابد. طبیعی است که هر فردی یا وضعی که این نقش را با مخاطره روبه‌رو کند یا عشق و عواطف فرزندان را از او به جانب دیگری بازگرداند، نوعی تهدید محسوب می‌شود. از سوی دیگر، عروس با دنیایی از آرزوها پای به زندگی جدیدی گذاشته و می‌خواهد به دور از دخالت دیگران، زندگی‌اش را اداره کند. او همه توجه، محبت و فکر همسرش را برای خود می‌خواهد و

نمی‌تواند جایگاه اول محبت همسرش را به جای خویش، به مادرشوهرش بدهد. او مایل نیست که کس دیگری جز وی به شوهرش چیزی بگوید، از او چیزی بخواهد، نیز این فکر و اندیشه را نمی‌پذیرد که: پیش از اینکه شوهر تو باشد، پسر من است.

۴. نیاز به احترام و اثبات هویت

با نگاهی اجمالی به علل ایجادکننده تعارض‌ها، می‌توان دریافت که نیاز اولیه مادرشوهر، کسب احترام و حرمت در روابط و درک عواطف و دلسوزی اوست. نیاز اولیه عروس، دارا بودن عرصه برای تجربه، آزمون و خطا، یادگیری مدیریت زندگی تازه تشکیل شده و اثبات هویت و توانایی خویش است. دعوا و اختلاف از اینجا شروع می‌شود که عروس کلام یا رفتار مادرشوهر را نوعی دخالت در زندگی خود و اهانت به خویش تلقی می‌کند و از طرف دیگر، مادرشوهر هم انتظار دارد که عضو تازه خانواده، احترام او را نگه دارد و جایگاهی خاص برایش در نظر بگیرد.

۵. حمایت‌های افراطی

مادر، فرزند خویش را بیش از حد دوست دارد و او را، هنوز همان پسر خردسال، نوجوان و جوان سال‌های پیش می‌پندارد که در آغوشش پرورش یافته است؛ اما عروس خانم نمی‌خواهد شوهرش را آقا پسر همیشه مادر و یا «بچه ننه» ببیند! این گونه پندارها و حمایت‌های افراطی ناشی از آن، زمینه‌ساز پدیدآیی نگرش‌ها و رفتارهای نه چندان مطلوب نسبت به شخصیت عروس خانواده می‌شود.

راه حل‌ها

اختلاف‌داشتن در زندگی، امری کاملاً طبیعی است و مشکل محسوب نمی‌شود؛ بلکه شیوه حل اختلاف است که همواره می‌تواند مشکل‌ساز باشد.

اگرچه نمی‌توان برای همه عروس‌ها و مادرشوهرها، یک نسخه پیچید، اما توجه به برخی مهارت‌های ارتباطی می‌تواند بخشی از مشکلات را تا حدی برطرف سازد:

۱. اصلاح نگرش

رابطه میان عروس و مادرشوهر، در بسیاری اوقات آغشته به پیش‌داوری است. گاهی مادرشوهر با عروس صحبتی می‌کند که عروس آن را کنایه می‌پندارد و گاهی عروس حرفی به مادرشوهر می‌زند که مادرشوهر آن را مغرضانه قلمداد می‌کند. شاید اگر دختران جوان به گونه‌ای تربیت شوند که ذهنیت بدی از مادرشوهر نداشته باشند، بسیاری از مشکلات میان آنها به وجود نخواهد آمد. برای اصلاح عملکرد و تعامل نامطلوب بین عروس و مادرشوهر، باید نگاه معیوب آنان را که محصول فرهنگ و عادت‌ها و تلقین‌های غلط جاهلان و بیماردلان است، اصلاح کرد. در مواردی دیده شده که عروس خانواده، از صحبت‌هایی که از مادرشوهر خود می‌شنود، ناراحت می‌شود؛ درحالی‌که چه بسا همان حرف‌ها را از مادر خود می‌شنود، ولی ناراحت نمی‌شود؛ زیرا در قبال مادرش حساسیت نشان نمی‌دهد و راحت از کنار آنها می‌گذرد؛ در صورتی که اگر همین روش در برابر مادرشوهر نیز به کار گرفته شود، مشکلی پیش نخواهد آمد. همچنین مادرشوهر این ذهنیت غلط را باید به زباله‌دان زندگی بیندازد که عروس جای مادرشوهر را گرفته و دل و دیده پسرش را از آن خود ساخته است. همه مادرشوهرها بدانند هیچ زنی نمی‌تواند جای مادر را اشغال کند.

۲. شناخت

عموماً خانم‌ها و همین‌طور آقایان، با یک نگاه ایده‌آل وارد خانواده جدید می‌شوند؛ درحالی‌که باید بپذیرند همه انسان‌ها نقص‌هایی دارند. تجربه نشان داده است بین خانواده‌ها و زوج‌های جوان در اوایل زندگی مشترکشان به دلیل

عدم آشنایی از روحیه و خلق و خوی همدیگر و اختلاف نظرها و سلیقه‌ها، در مسائل جزئی دچار تنش می‌شوند. کمال خواهی، مطلق‌نگری و ایده‌آل‌گرایی آنها، شیرینی زندگی را به تلخی تبدیل می‌کند. برای اینکه زوجها در آغاز زندگی مشترک بتوانند ارتباط خوبی با خانواده همسر خویش برقرار کنند، ابتدا باید میزان آگاهی خود را از خصوصیت‌ها و روحیه‌های خانواده‌ها بالا ببرند. پس از شناخت و درک، به‌راحتی می‌توانند از برخی رفتارها که موجب تحریک مادرشوهر و بروز اختلاف می‌گردد، دوری کنند و بعضی رفتارهای آنان را بدون اینکه ناراحت شوند، بپذیرند. هرکسی رگ خوابی دارد. هوشمندی عروس، در پیدا کردن رگ خواب همسر و خانواده اوست. آگاهی پیدا کردن نسبت به خلق و خواسته‌ها و نیازهای مادر همسر، نه تنها از بروز بسیاری از مشکلات جلوگیری می‌کند، بلکه رعایت هرکدام از این موارد، می‌تواند به شکل‌گیری رابطه مثبت بینجامد.

۳. احترام متقابل

با نگاهی اجمالی به علل ایجادکننده تعارض‌های بین عروس و مادرشوهر، می‌توان دریافت که نیاز اولیه مادرشوهر کسب احترام و حرمت در روابط و درک عواطف و دلسوزی اوست. این مسئله، خیلی برای والدین ارزشمند است که حتی اگر مخالف نظرشان هستیم، با حوصله و احترام سخنانشان را بشنویم و به آنها بگوییم که حتماً راهکارها و تجربه‌های شما را مدنظر قرار می‌دهیم و به آنها احترام می‌گذاریم. این مسئله مهم نیست که عروس ممکن است مادرشوهر خویش را دوست نداشته باشد؛ آنچه مهم است، احترام‌نهادن به تفکر و عواطف مادرشوهر است.

رابطه‌ای که در آن احترام حاکم باشد، هرگز به تنش و دعوا و درگیری متمایل نمی‌شود. احترام به مادر و پدر همسر و تکریم شخصیت ایشان توسط

عروس خانم، از اصول مهم زندگی مشترک و از معیارهای اصلی حُسن تدبیر در حیات زوج‌های جوان است. احترام نسبت به خانواده همسر، نشانه پذیرش و درک همسرمان می‌باشد.

احترام به بزرگ‌ترها، از دستورعمل‌های اخلاقی اسلام است و کانون خانواده‌ها را گرم و باصفا می‌سازد و این، توصیه امام صادق علیه السلام است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ كِبَرَنَا وَ لَمْ يُرْحَمْ صَغِيرَنَا؛^۱ کسی که بزرگ ما را احترام نکند و کوچک ما را مورد مهربانی و عطوفت قرار ندهد، از ما نیست.» این سخن را نیز از امیر مؤمنان علی علیه السلام به یاد داشته باشیم: «يَكْرَهُ الْعَالِمُ الْعِلْمِيَّ وَ الْكَبِيرُ لِسْتَهٗ؛^۲ دانشمند را به جهت علمش، و بزرگسال را به دلیل سن او، باید احترام کرد.» امام علی علیه السلام در یکی از سخنان خویش، ضمن انتقاد از اوضاع زمانه و ناهنجاری‌های رفتاری مردم، از جمله بر این دو مسئله تأکید می‌نماید: «إِنَّكُمْ فِي زَمَانٍ... لَا يُعْظَمُ صَغِيرُهُمْ كِبَرُهُمْ وَلَا يَعُولُ غَرِيْبُهُمْ فَفَقِيرُهُمْ؛^۳ در زمانه‌ای به سر می‌برید که کوچک‌تر، بزرگ‌تر را گرامی نمی‌دارد و ثروتمند، به فقیر رسیدگی نمی‌کند!» البته احترام گذاشتن اصلاً به معنای منفعل بودن و غلام حلقه‌به‌گوش بودن نیست؛ اما کافی است که عروس گاهی خود را جای پدر یا مادر همسرش بگذارد. از سوی دیگر، مادرشوهر نیز به منظور حفظ حرمت خود، باید به عروس جوان خویش احترام بگذارد و او را همچون دختر عزیز خویش دوست داشته باشد و آرامش و راحتی او را آرزوی قلبی خود بداند. به جای زبان انتقاد و رفتار دخالت‌آمیز، باید رفتار حمایتی همراه با تکریم شخصیت زوج جوان داشته باشد. گفتار و رفتارش به گونه‌ای باشد که بقیه فرزندان (خواهر و برادر شوهر) تأیید و تکریم را از او بیاموزند.

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۵.

۲. عبدالواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۴۷۱.

۳. همان، ج ۳، ص ۶۹.

۴. اظهار محبت

زن آگاه و دانا و بادرایت، رفتاری پسندیده و صمیمی با خویشان شوهر خود در پیش می‌گیرد. قرآن درباره روابط با دیگران می‌فرماید: «ادْفَعِ بِلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»^۱ بدی را با شیوه‌ای که نیکوتر است، دفع کن که ناگاه خواهی دید همان که میان تو و او دشمنی بود، چون دوستی صمیمی گشته است.»

«واکنش مثبت در برابر کنش و عمل منفی»، سیره معصومان عليهم السلام است. یکی از مهم‌ترین قوانین روابط انسانی می‌گوید: «الانسان عيبُ الاحسان»؛ یعنی به هرکسی که محبت کنی، او را اسیر خود کرده‌ای. گفته‌اند: «دختری پس از ازدواج نمی‌توانست با مادرشوهرش کنار بیاید و هر روز با او جروب‌بحث می‌کرد. عاقبت دختر نزد داروسازی که دوست صمیمی پدرش بود رفت و از او تقاضا کرد که سمی به او بدهد تا بتواند مادرشوهرش را بکشد! داروساز گفت: اگر سم خطرناکی به او بدهد و مادرشوهرش بمیرد، همه به او شک خواهند کرد. پس معجونی به دختر داد و گفت: هر روز مقداری از آن را در غذای مادرشوهرت بریز تا سم معجون کم‌کم در او اثر کند و وی را بکشد. او همچنین توصیه کرد: در این مدت، با مادرشوهرت مدارا کن تا کسی به تو شک نبرد. دختر، معجون را گرفت و خوشحال به خانه برگشت و هرروز، مقداری از آن را در غذای مادرشوهر می‌ریخت و با مهربانی به او می‌داد. هفته‌ها گذشت و با مهر و محبت عروس، اخلاق مادرشوهر هم بهتر و بهتر شد؛ تا آنجا که یک روز دختر نزد داروساز رفت و به او گفت: دیگر از مادرشوهرم متنفر نیستم. حالا او را مانند مادرم دوست دارم و دیگر دلم نمی‌خواهد که بمیرد. خواهش می‌کنم داروی دیگری به من بدهید تا سم را از بدنش خارج کند. داروساز لبخندی زد و گفت:

دخترم، نگران نباش! معجونی که به تو دادم، سم نبود؛ بلکه سم در ذهن خود تو بود که حالا با عشق به مادرشوهرت، از بین رفته است.»^۱

اسلام سفارش کرده است به محبت قلبی اکتفا نکنید؛ بلکه آن را اظهار نمایید. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا أَحْبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ؛^۲ اگر به کسی علاقه و محبت داشتی، او را آگاه کن.» در روایت است که مردی از مسجد گذر کرد، درحالی که امام باقر و امام صادق علیهما السلام در مسجد نشسته بودند. یکی از اصحاب گفت: به خدا قسم! این شخص را دوست می‌دارم. امام فرمود: پس به او خبر بده؛ چراکه خبر دادن، هم مودت و دوستی را پایدارتر می‌کند و هم در ایجاد الفت، خوب است.^۳ از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز روایت است: «إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ صَاحِبَهُ أَوْ أَوْأَاهُ فَلْيُعَلِّمْهُ؛^۴ هرگاه کسی از شما دوست یا برادر دینی‌اش را دوست بدارد، به او اعلام کند.»

شیوه‌های جلب محبت عبارت‌اند از: گذشت، صداقت، نقدپذیری، توقعات مناسب نه بیجا، داشتن خوش بینی، خرج نتراشیدن برای شوهر، حفظ اموال شوهر، عدم توجه به دخالت‌های افراد بیگانه، مقایسه نکردن، انتقاد به سبک بسیار محترمانه و خیلی دقیق و ظریف، دستورن دادن، تواضع، تبسم، پرهیز از احترام ریاکارانه، انصاف، وفاداری، هدیه، نرمی در گفتار، دعا و صله رحم.

از محبت خارها گل می‌شود از محبت سرکه‌ها مِل می‌شود

۱. محمدحسین قدیری، ماهنامه خانه خوبان ویژه خانواده‌ها، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۲، ش ۵۲ و ۵۳، ص ۸.
۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۸۱.
۳. همان.
۴. همان، ص ۱۸۲.

۵. مدارا

یکی از عناصری که در تحقق سازگاری و آرامش زندگی، به خصوص ایجاد آرامش در زندگی مشترک، نقش بسزایی دارد، مداراست. کمتر عاملی را می‌توان یافت که در این حد بتواند در ایجاد و تثبیت آرامش نقش ایفا کند. اساساً بدون رفق و مدارا نمی‌توان از زندگی بهره برد. خودروه‌های شخصی که میلیون‌ها انسان را از جایی به جای دیگر انتقال می‌دهند، قطعاً بدون وجود انعطاف در لاستیک‌های چرخ، نمی‌توانند تحرکی داشته باشند. زندگی انسان نیز محتاج مدارا کردن و رفق و انعطاف است؛ در یک مثال ساده، می‌توان گفت: هراندازه فرهای خودرو، قوی‌تر و سالم‌تر باشد، بهتر و راحت‌تر، از ناهمواری‌ها عبور می‌کند؛ ولی اگر فرهای خودرو، حالت فنری خود را از دست داده باشند، در برخورد با دست‌انداز کوچک هم دچار مشکل می‌شود. در روابط اجتماعی و خانوادگی نیز اگر روحیه مداراگری حاکم نباشد، برخوردها، تند و شکننده خواهد بود. بسیاری از تنش‌ها، قهرها، دوری‌ها و جبهه‌گرفتن‌ها، با اتخاذ روش مدارا، رخت می‌بندد و بذر عطوفت و مهربانی در جامعه کاشته شده، شبنم‌های مهر در گلبرگ دل‌ها می‌نشیند.

مدارا، در لغت به معنای ملاحظت و نرمی و ملایمت و احتیاط کردن آمده است.^۱ در کتاب‌های اخلاقی می‌خوانیم: رفق، صفتی است پسندیده که در برابر عُنْف و شدت است و عُنْف، نتیجه خشم و غضب است. رفق و لینت، از آثار خوش خلقی و سلامت جان می‌باشد.^۲ ریشه بسیاری از کشمکش‌ها و درگیری‌ها را می‌توان در حساسیت‌های نابجا و عدم وجود روحیه رفق و مدارا جست. قوام بقای خانواده، به عواملی مانند میزان مدارای افراد در برابر خطاهای

۱. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ماده «دری».

۲. ملامحسن فیض کاشانی، المحجّة البیضاء، ج ۵، ص ۳۲۲.

دیگران و روحیه همکاری، وابسته است. امام علی علیه السلام می فرماید: «دَارِ النَّاسِ تَأْمَنُ غَوَائِلَهُمْ وَتَسْلَمُ مِنْ مَكَايِدِهِمْ»^۱ با مردم مدارا کن تا از مکر و تزویر آنها در امان مانی.» پس می توان گفت: مدارا، نوعی سیاست مصلحت جویانه است که در تحکیم پایه های حکومت اسلامی نقش مؤثری ایفا می کند. از این رو، امام علی علیه السلام به کارگیری اصل مهم، مدارا را، در رأس سیاست می داند.^۲

ناراحتی در مقابل رفتارهای ناشایست دیگران، مشکلی را حل نمی کند؛ بلکه اوضاع را وخیم تر می سازد. خشم و خشونت، عصبانیت و لجابت طرف مقابل را برمی انگیزاند که قطعاً پایان خوبی نخواهد داشت؛ اما احسان و مدارا با دیگران، به خشونت پایان می دهد. اگر با هر اتفاق ساده ای، بیهوده خود را ناراحت کنیم، وقت و انرژی خویش را که می تواند صرف تجربه اندوزی شود، از دست داده ایم؛ بدون آنکه نتیجه ای گرفته باشیم؛ اما با روش صحیح مدارا، می توانیم شخصیت خود را در آینه رفتار ناموزون دیگران، بازایبیم. با حلم و مدارا و مدیریت اخلاقی، برخوردهای تلخ و گزنده دیگران را خنثی کرده و فضای عصبیت، انتقام جویی و مجادله را تلطیف نموده، نرمش و آرامش را در فضای موجود حاکم کنیم.

۶. تغافل

بهترین راه حل برای خروج از عصبانیت و تنش، عمل کردن به شیوه ای است که اسلام آن را پیشنهاد کرده و آن، تغافل و چشم پوشی است. تغافل، یعنی خود را به غفلت زدن و نادیده گرفتن برخی کارها و حرف ها. آنچه آدمی را از پا در می آورد، ادامه و استمرار فشارهای روانی و عصبی پس از وقوع حوادث است که حالت خودخوری و غصه خوردن به وجود می آورد و می توان آن را شکنجه

۱. عبدالواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۱۵.

۲. همان، ص ۵۴.

روانی نامید. مرور و کش‌دار کردن این مسائلی، حاصلی جز افسردگی و اضطراب ندارد. در امور زندگی و برخوردهای اجتماعی و مسائل که در خانواده به وجود می‌آید، نباید کور باشیم؛ ولی در برخی مواقع، بهتر است چشم‌های خود را ببندیم و برخی کارها را نادیده بگیریم. کسانی که تغافل نمی‌کنند و دنبال حرف را می‌گیرند و نمی‌خواهند حوادث گذشته را فراموش کنند، همواره در رنج و عذاب به سر می‌برند.

زندگی خانوادگی، پُر است از فرصت‌هایی که می‌توان در آنها، از گناه کوه ساخت و یا از کوه، گناه ساخت. افراد هوشمند و خردمند، راه دوم را انتخاب می‌کنند و زحمتی طاقت‌فرسا برای خویش و دیگران ایجاد نمی‌کنند. امیر مؤمنان علیه السلام درباره ارزش تغافل، نادیده‌انگاشتن و چشم‌پوشی در خانواده می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَلَا يَعْضَّ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَنَعَّصَتْ عَيْشَتُهُ؛^۱ هرکس در زندگانی خویش تغافل نکند و از بسیاری از امور جزئی چشم‌پوشی نکند، عیش و زندگانی او ناگوار می‌شود.» همچنین می‌فرماید: «لَا عَقْلَ كَالْتَّجَاهُلِ، لَا حِلْمَ كَالْتَّغَافُلِ؛^۲ تدبیری، مانند خود را به بی‌خبری زدن و صبری، همچون خود را به فراموشی زدن نیست.»

۷. عفو و گذشت

در دیدگاه اسلامی، گذشت به عنوان یکی از روش‌های درمانی در اصلاح رفتار فرد با دیگران به کار می‌رود و شرط پایداری زندگی و ایجاد فضایی سالم و مسالمت‌آمیز در خانواده و جامعه قلمداد می‌شود. افرادی که نمی‌توانند خطاهای دیگران را ببخشند، نه تنها خطاهای کوچک را بزرگ می‌کنند، بلکه به علت کینه‌توزی، کارهای مثبت دیگران از قبیل: محبت، صفا و صمیمیت را نیز

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۴۵۵.

۲. همان، ج ۶، ص ۳۵۶.

نادیده می‌گیرند و می‌پندارند اشخاص با نیرنگ می‌خواهند آنها را فریب دهند. این گونه افراد، حتی به دیگران بدبین می‌شوند؛ زیرا خطای اتفاق افتاده را به آنان نیز سرایت می‌دهند. عفو، یک نوع نرمش قهرمانانه و روش بزرگوارانه و برخورد مهربانانه است که از بلندنظری، شرح صدر، بردباری و متانت اخلاقی فرد حکایت می‌کند. عفو و گذشت، در رأس ارزش‌ها قرار دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْعَفْوُ تَأْجِ الْمَكَارِمِ»^۱ عفو و گذشت، زینت فضیلت‌های اخلاقی است.»

در مقابل، نداشتن روحیه گذشت، بدترین عیب محسوب می‌شود. آن حضرت فرموده: «کمی عفو و گذشت، زشت‌ترین عیب‌هاست و شتاب کردن برای انتقام، بزرگ‌ترین گناه است.»^۲ دلیل کارنگی می‌گوید: «ما صاحب آن خُلق سلیم و روح ملکوتی نیستیم که بتوانیم دشمن خود را دوست بداریم؛ ولی برای سلامت و خوشی خود، باید آنها را ببخشیم و فراموششان کنیم.» کنفوسیوس نیز در این باره گفته: «اگر کسی بدی بکند یا مال شما را برآید، اهمیتی ندارد؛ بلکه فراموش نکردن و پیوسته به خاطر آوردن آن است که شما را ناراحت می‌کند.»^۳

۸. استفاده از مهارت‌های خاص

عروس و مادرشوهر می‌توانند با استفاده از مهارت‌های ارتباطی، از بروز ناراحتی و تنش پیشگیری کنند. برخی از مهارت‌ها عبارت‌اند از:

- عروس، نزد مادرشوهر خود، نسبت به همسرش رفتار و گفتار تند و غیراخلاقی نشان ندهد و او را با صدای بلند صدا نزند.

۱. همان، ج ۱، ص ۱۴۰.

۲. همان، ج ۴، ص ۵۰۵.

۳. دلیل کارنگی، آیین زندگی، ص ۱۳۱.

- عروس، نقش و جایگاه راهبردی مادرشوهر را ندیده نگیرد. در عین صمیمیت، باید رابطه‌شان را به گونه‌ای بسازد که حریم‌ها باقی بماند. این، بهترین راه برای جلوگیری از تنش است.

- عروس، بزرگوارانه برای سهیم کردن زنی دیگر در قلب شوهرش پیش قدم شود؛ مثلاً از او بخواهد گاهی تنها به خانه مادرش برود و یا هدیه‌هایی تهیه کند که به مادرش بدهد.

- بی‌اهمیتی به والدین همسر، قطع رابطه با آنها، کاستن علاقه فرزندان به خانواده طرف مقابل، جبهه‌گیری در بیشتر موارد، توجه بیش از حد به والدین خود، فقط در طول زمان به جدایی بیشتر زوج از یکدیگر می‌انجامد و زمینه اختلاف‌های بعدی را فراهم می‌کند.

- برای تصمیم‌گیری‌های بزرگ خانه، نظر مادرشوهر را جویا شود. بدین ترتیب، هم از به‌وجود آمدن درگیری‌های احتمالی پیشگیری شده و هم احترام او محفوظ مانده است.

- در بحث‌ها و جدال‌های خانوادگی، بهتر است عروس حرفی نزند و اجازه دهد همسر که مادرش را بهتر می‌شناسد، با برعهده گرفتن نقش میانجی، مشکل را حل کند. جنگیدن شما با مادرشوهر، هیچ فایده‌ای جز به لرزه درآوردن پایه‌های زندگی مشترک نخواهد داشت. واقعیت این است که در این رابطه، عروس باید در حاشیه حضور داشته باشد و همسر، نقش جاده‌صاف‌کن را بر عهده بگیرد.

- گاهی عروس اجازه دهد مادرشوهر، مادری نماید. عروس وانمود کند که به او محتاج است و بخش‌هایی از زندگی‌اش بدون حضور او لنگ می‌ماند؛ مثلاً مادرشوهر پیشنهاد خریدن سبزی را می‌دهد یا اینکه دوست دارد گاهی غذا درست کند. هیچ‌کدام از این رفتارها و مشابه آن، به استقلال عروس صدمه‌ای نمی‌زند.

- عروس نباید نزد خانواده شوهرش از همسر خود بدگویی کند. پدر و مادرها عیوب فرزندانشان را خوب می‌دانند و نیازی به یادآوری آنها نیست. انجام این کار، مشکلات عدیده‌ای را سبب می‌شود.

- مادرشوهر، برای خوشبختی، آرامش و سعادت فرزندان، اجازه دهد عروس و داماد افتان و خیزان در مسیر پُرفراز و فرود زندگی، گلیم خود را از آب بیرون بکشند و شیوه و شکل زندگی و تعامل خویش را خود انتخاب کنند. دخالت پیوسته مادرشوهر در برنامه زندگی زوج‌های جوان و احضار پی‌درپی پسر و در اختیارگرفتن بخش قابل توجهی از اوقات او، زمینه بدبینی و پیش‌فرض‌های نادرستی را در ذهن عروس ایجاد می‌کند.

- مادرشوهر باید بداند که دخترش به‌زودی عروس خانواده دیگری می‌شود و اگر امروز عروس خود را برنجانند، فردا دخترش به وسیله مادرشوهرش در رنج و عذاب گرفتار خواهد شد؛ چراکه:

از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید، جوز جو

- آقادماد می‌تواند نقش مهمی در بهبود روابط مادر و همسرش داشته باشد؛ مثلاً با توجه به حساسیت احتمالی مادر نسبت به زندگی تازه و شخصیت عروس خانم، کاستی‌ها و نارسایی‌های زندگی مشترک و ضعف‌ها و کوتاهی‌های همسر خویش را به خانواده مادری خود انتقال ندهد. از سوی دیگر، گله‌های احتمالی مادر و خواهر خود را به خانمش منتقل نسازد و در عوض، از تعریف و تمجید آنان نسبت به شخصیت خوب عروسشان سخن بگوید و این خود، زمینه پدیدآیی نگرش‌های مثبت و رفتارهای خوشایند نسبت به خانواده همسر در اندیشه و عمل عروس خانم خواهد بود.